

سریال جدید شبکه ۳ مشخص شد

با اعلام تلویزیون، سریال «بدل» به کارگردانی علی مشهدی که هم‌اکنون مراحل پایانی تدوین و صداگذاری خود را می‌گذراند و قرار است بعد از سریال «هفت‌سر ازدها» روی آنتن شبکه سه سیما برود. تاکنون خبرهای مختلفی از سریال بدل منتشر شده بود که حالا مشخص شده، قرار است گزینه بعدی شبکه سه برای پخش باشد. در سریال بدل بازیگرانی همچون

شهرام قاندی، هادی عامل‌هاشمی، داریوش سلیمی، اصغر حیدری، ساعد هدایتی، اشکان اشتیاق، فرزانه سهیلی، ابوالفضل رجبی و پرپسا مقتدی به ایفای نقش پرداخته‌اند. این سریال به کارگردانی و نویسندگی علی مشهدی (علیرضا مسعودی) و به تهیه‌کنندگی رضا نصیری، محصول سیمافیلم است و در فضایی طنز به تحول انسان پرداخته است.

علی مشهدی کارگردانی سریال‌های «آخ‌رخت» و «نوروز رنگی» را در کارنامه دارد و همچنین نویسندگی سریال‌های «کوچه اقاها»، «سه دونگ، سه دونگ»، «ساعت خوش» و «سه در چهار» را بر عهده داشته است. بعد از پخش مجموعه بیست کووید که قبل از هفت سر ازدها روی آنتن رفته بود، بدل را باید سریال تازه طنز شبکه سه دانست.



کپ

مخاطب با «نون‌خ» کردها را شناخت

نویسنده و کارگردان بود. همین ویژگی باعث شو حید باز یگوش تر شده و شیفتش هم بیشتر شود که همین موضوع جای کار را برای بازی در این نقش هم بیشتر می‌کند. در کل من شخصیت حید را دوست دارم، نکته مهم‌تر این‌که در عین شیطنت‌هایی که می‌کند، ویژگی‌ای دارد که من خیلی این ویژگی را دوست دارم؛ وحید احترام بزرگ‌ترها را همیشه نگه می‌دارد و هیچ بی‌ادبی به آنها به خصوص عمو کاووس نمی‌کند. در ادامه داستان و در سکانس‌هایی هم می‌بینید همین وحید که سر به سر عمو کاووس می‌گذارد، از یک جایی به بعد تنها مونس او می‌شود و به او کمک می‌کند و این تحولی که در شخصیت وحید در طول داستان به وجود می‌آید، برای من خیلی جذاب بود.

بی‌هوشی از شدت گرما

نون‌خ در سری جدید سفر جاده‌ای را از غرب به جنوب آغاز کرده است و قطعاً چنین سفری به نقاط مختلف ایران می‌تواند سختی‌هایی را در پی داشته و همچنین جذابیت‌هایی را هم برای بازیگر به همراه داشته باشد. موسوی بچه‌ها از مناطق کوهستانی آمده بودند، در سفری که به چاپهار داشتیم، یک‌بار به جایی می‌آمدم که هوای گرم و مرطوبی داشت. آن هم حدود ۱۱ ساعت در فضای بسته مینی‌بوس که یک مینی‌بوس قدیمی بود و هیچ وسیله تهویه‌ای هم نداشت. شیشه‌ها هم باید بسته می‌بود تا صدای خارج از ماشین مزاحمتی برای فیلمبرداری نداشته باشد. یکی از اتفاقاتی که در این سکانس‌ها می‌افتاد این بود که ما مدام به خواب می‌رفتیم، یعنی وسط فیلمبرداری یکی از بازیگران به خواب می‌رفت و بقیه او را بیدار می‌کردند تا دیالوگ بگویند.

این اتفاق برای ما خیلی عجیب بود.

معرفی ظرفیت‌های استان

از موسوی می‌پرسیم، شما از دهه ۸۰ وارد عرصه بازیگری شدید و به واسطه تئاترهای بسیاری روی صحنه بودید اما با سریال نون‌خ به مخاطبان تلویزیون معرفی شدید. البته این اتفاق برای خیلی از بازیگران اصلی این سریال افتاد و یک‌بار به چهره‌های محبوب و مشهوری تبدیل شدند. نون‌خ چه ویژگی‌هایی دارد که باعث دیده شدن و مورد توجه قرار گرفتن بازیگرانش می‌شود. وی پاسخ می‌دهد: به نظرم مهم‌ترین ویژگی این سریال این است که از فضای آپارتمانی خارج شده، چون به هر حال سال‌های بسیاری بود که سریال‌های طنز در یک فضای بسته آپارتمانی ساخته می‌شد اما سعید آقاخانی با این سریال طبیعت زیبای کردستان، ویژگی‌ها و جاذبه‌های بسیاری از این اقلیم را به مخاطب نشان داد. من فکر می‌کنم همین موضوع باعث شد توریست‌ها و گردشگرها به این استان سفر کنند، چون آقای آقاخانی با این سریال ظرفیت‌های بسیاری از این استان را به مخاطب معرفی کرد که باعث جذب توریست می‌شود. این‌که سریال نون‌خ در بحث گردشگری و آشنایی مخاطبان با اقلیم کردستان چقدر نقش داشته، موضوع دیگری است که از این بازیگر می‌پرسم و او تصریح می‌کند: تا جایی که می‌دانم این سریال توانست تأثیرات خوبی در این زمینه داشته باشد. به خصوص در فصل پنجم که به شهرها و استان‌های دیگر هم سفر کردیم و مخاطب تصاویر زیبایی از طبیعت و جاده در این سریال دید که کار بسیار سختی بود اما به قدری این سریال مورد توجه قرار گرفت و دیده شد که واکنش‌های مثبت و خوبی را در پی داشت، چون ما همیشه دوست داشتیم سریالی درباره قومیت‌ها به‌ویژه اقوام کرد ساخته شود که بسیار مهمان‌نواز هستند و منابع بسیاری در آنجا وجود دارد که برای سرمایه‌گذاری مناسب است. این موارد در سریال نون‌خ وجود داشت و برای استان ما اتفاق خوبی است و باعث شد دیده شود و مردم به این استان بیشتر سفر کنند.

تضاد کاووس و وحید

وی درباره ویژگی‌های شخصیتی وحید و تقابل او با عموکاووس توضیح می‌دهد: فکر می‌کنم از همان ابتدا آقای امیر وفایی خیلی هوشمندانه بین وحید و عمو کاووس تضادی ایجاد کرد که این تضاد تنش‌هایی بین این دو نفر هست، موقعیت‌های کمدی خلق کرد که مردم دوست دارند. البته این اتفاق در سری جدیدی‌تر شد که بازم از هوشمندی

این پیرمرد همشهری ماست و اگر او را اذیت کنی تو را به شهرمان می‌بریم تا مثل نمدا با چوب برنیمت (می‌خندد). تا این حد روی کاووس تعصب دارند. لازم است از حسین نازنین برای اخلاق خویش تشکر وویژای داشته باشیم که بسیار جوان مؤدب، محبوب و دوست‌داشتنی است و این قدر برای من عزیز و محترم است که دوست دارم با او رفت‌وآمد داشته باشم.

۱۴۱ ارتباط آدم‌ها باهم در این سریال ارتباط خاصی است که دیده شد.

صرف‌نظر از فیلم‌ها و سریال‌های مان، در ارتباطات واقعی رفت‌وآمد خانواده‌ها و همسایه‌ها باهم کمتر شده است اما در این سریال آنها‌ه‌وای یکدیگر را دارند و باهم در سفری همراه شده‌اند که سعی می‌کنند در مشکلات کنار هم باشند. این اتفاق خوب چقدر می‌تواند برای مخاطبان

الگوی مناسبی باشد؟

واقعاً زندگی ما در گذشته همین‌طور بود. در دوران کودکی وقتی به خانه می‌آمدم، می‌دیدم ۱۰ خانواده نشسته‌اند که همه را می‌شناختم و نسبت‌های‌شان را می‌دانستم. همه اینها مهمان دست اول ما بودند. یعنی جدا از خواهرها و برادرها. این مهمان‌ها ارج و قرب بسیاری نزد خانواده‌ها می‌داشتند. یک چراغ زنبوری داشتیم که هر شب آن را به دستم می‌دادند و به خانه یکی از فامیل می‌رفتیم. من به‌عنوان گزارشگر تلویزیون کرمانشاه در کردستان خانواده‌های مرزنشینی را می‌دیدم که شب‌ها به روستاهای آن طرف مرز عراق می‌رفتند، سر می‌زدند و از هم احوال‌پرسی و فرزندان‌شان باهم ازدواج می‌کردند و در شادی‌های هم شرکت داشتند. قوم‌ها ما واقعاً این‌طور بودند. ما مثلاً ما برای یک عروسی به شیراز رفتیم و آن عظمت شیراز را دیدیم. باید به این مسائل که دارد به فراموشی سپرده می‌شود بیشتر پرداخت.

۱۴۲ از ارتباط خود با بازیگران دیگر سریال بگویید. فیلمبرداری که تمام می‌شود، چقدر حال‌همدیگر را جویا می‌شوید؟

شاید بتوانم بگویم ما با بچه‌هایی که در کنار هم هستیم، یک خانواده بسیار مهربان، عزیز و دوست‌داشتنی شده‌ایم. یعنی اگر هر روز احوال حمید آذرنگ نازنین، سعید آقاخانی و کاظم نوربخش را نپرسم، بدحال می‌شوم. همه با هم تا شروع بعدی در ارتباط هستیم، چون من در این سریال دوست‌های خوبی پیدا کرده‌ام. شاید برای‌تان جالب باشد بدانید بعد از سفری که به چاپهار داشتیم از عید که کارمان تمام شده تا به حال ده‌هاتفن از آن سرزمین داشته‌ام که با من تماس گرفته‌اند و دوست شده‌اند و من هم آنها را به‌عنوان یک دوست پذیرفته‌ام و اگر روزی بخواهم با خانواده به آنجا بروم به خانه همین دوستانی که در چاپهار، زاهدان و کرمان پیدا کرده‌ام خواهم رفت. اینها بسیار جای شکرگزاری دارد که هم خودش حامل پیام است و هم خودمان در این گردش‌ها دوستان خوب و صمیمی پیدا کرده‌ایم.

۱۴۳ معمولاً وقتی شما را می‌بینند، درباره عمو کاووس چه می‌گویند و نظرها‌شان درباره شخصیت او چیست؟

شخصیت کاووس بزرگ‌آبادی و رئیس شورا است و حکم حکومتی دارد و شخصیت‌هایی مثل نوری و دیگران از رفتار و گفتار کاووس دفاع می‌کنند و به همین دلیل، هم و غم مسائل را دارد. مثلاً دو سال پیش به موضوع فرزندآوری اشاره داشت و می‌گفت دخترهای‌مان را به بالادستی و آن سوی مرز ندهیم. دختران مال ایران هستند و در این سرزمین و این روستا باید زاد و ولد و فرزندآوری شکل بگیرد. من شخصیت کاووس را دوست دارم و فکر می‌کنم به دل بیننده هم نشسته است.

۱۴۴ یکی از نکات جالب عمو کاووس این است که با وجود این‌که بزرگ روستاست اما بسیار به‌روز است و با جوان‌ها هم ارتباط خوبی دارد. همه این موارد در فیلمنامه لحاظ شده بود یا ایده‌هایی است که شما به نویسنده و کارگردان دادید؟

واقعاً دلسوزی عمو کاووس این توانایی را به او می‌بخشد. حتی وقتی در یکی دو فصل قبلی به خاطر مشکلات چشمی که داشت به اشتباه جاناتان، گاوسلمان را کشت، اسب خود را به جای آن به‌واد. این اهمیت، همدلی و مهربانی کاووس بی‌تردید به دل همه نشسته است، البته این موارد در فیلمنامه بود اما خوب ما هم به‌عنوان بازیگر ایده‌هایی در کار داریم که به کارگردان و نویسنده ارائه می‌دهیم.

فصل مامستقر بودند تا بدو سلامت آنها را برای نت بردیم. در مجموع با همه عظمت‌هایش ت به تصویر بکشیم و می‌گیرد. من در استان ستان هم زبان اطراف؛ همه بالاترین میزان می‌گویم حرفی برای انجام بگیرد را بر کرد، فته که به نبوغ بالایی هم‌لذت ببرند.

شد که کرمانی‌ها و

وب آن دو قوم باهم و

نها جزو نکات مثبت

داشتند، نون‌خ را از

دم‌هایی را سال‌ها

ها را زنده کرده‌اید و ما

رهنگ مهمان‌نوازی،

شوراک گرفته تا برخورد

ایی است که به نظرم

رانی یک‌بار به چاپهار

یخی را ببیند و این‌که

ی خودتان به تجربه

ومیت‌ها بپردازند، هم

قاجانی عزیز یک‌دست

ی‌ادل و جان به سمع

ن دست‌نایب کرده‌ه

تفاوت

رخورد

ها زیاد

ارزم به

را بهتر

را که به

دست

سناسی

های

هنوز

فرخی،

این...

دیگری را توسط سریال

کمی بیشتر سربه‌سر

داشتیم، گفتند وحید

ت می‌کند، در مواردی

احترام به بزرگ‌تر جزو

ای فرقی ما را به مشهد

به علت شلوغی حرم از

و را پیدا نکردم. دیدم با

ا‌صا‌ر جویا شدم، گفت

ت که این سریال است،



حتی معماری پلکانی خانه‌های پالنگان واقعاً در هیچ کجا نمونه‌ای ندارد و صدها نمونه از این زیبایی‌ها در دیارمان نهفته است

دیگری را توسط سریال

کمی بیشتر سربه‌سر

داشتیم، گفتند وحید

ت می‌کند، در مواردی

احترام به بزرگ‌تر جزو

ای فرقی ما را به مشهد

به علت شلوغی حرم از

و را پیدا نکردم. دیدم با

ا‌صا‌ر جویا شدم، گفت

ت که این سریال است،



زوج با سابقه کمدی

سریال «ساختمان پزشکان» را می‌توان شروع یک رفاقت دانست که تبدیل به یک زوج هنری در آثار نمایشی شد. بهنام تشکر و هومن برق‌نورد که با تعامل و دیالوگ‌های خود لیختند را روی لب مخاطبان نشاناند، به همین خاطر این اتفاق تکرار شد و در سریال‌های دیگری چون: دزد و

پلیس، دودکش، پادری و همچنین فیلم زندانی‌ها در کنار هم حضور پیدا کرده و موقعیت‌های کمدی شیرینی را خلق کردند.

آنها به‌دلیل رفاقت و شناختی که از همدیگر پیدا کردند و تجربیات تئاتری که داشتند، توانست‌ند رگ مخاطب را در دست بگیرند و شوخی‌هایی طراحی کنند که برای مخاطب دیدنی و شنیدنی باشد تا جایی که آنها در گفت‌وگویی عنوان کردند همه فکر می‌کنند ما با هم فامیل هستیم. یعنی رفاقت‌شان تا این حد برای مخاطب باورپذیر است. حتی با واکنش‌های جالبی هم از جانب مخاطبان روبه‌رو شده‌اند. البته تشکر وقتی در کنار برق‌نورد قرار می‌گیرد به نوعی عقل کل گروه‌شان است و مخاطب با این تصور به تماشای پاسکاری‌های آنان در بازی می‌نشیند.

رخ



به شهرت رسیدند.

از آنجا که نتانیده یکی از نویسندگان این مجموعه هم هست، به‌خوبی این دو کاراکتر را پرورانده و دوستی با مهران‌فر هم باعث شده تا پاسکاری‌های این دو بازیگر بیش از پیش فضا و موقعیت‌های کمدی ایجاد کنند.

رقابت و گاهی حسادت در بین این دو شخصیت وجود دارد اما مهم‌ترین چیزی که هر دو در بازی رعایت کرده و مورد توجه قرار می‌دهند، پشت هم بودن و هوای همدیگر را داشتن است که جزو نکات آموزنده بازی این دو شخصیت است. این دو در سینما هم همبازی بوده‌اند. مثلاً در فیلم «استشهادی برای خدا» نتانیده نقش شیخ محمد و مهران‌فر نقش رحمت را بازی کرد اما آنها در تلویزیون، زوج محبوب‌تر و مشهورتری محسوب می‌شوند.

خاطره

شیرین‌ترین زوج تلویزیونی

«پایتخت» را می‌توان یکی از موفق‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی دانست که تولید آن به شش فصل رسید و همچنان در بازپخش‌هایش نیز مورد توجه مخاطبان بسیاری قرار می‌گیرد.

محسن تنابنده و احمد مهران‌فر را می‌توان یکی از موفق‌ترین و شیرین‌ترین زوج‌های تلویزیونی دانست که در این سریال درخشیدند و

قاب‌های ماندگار

مجموعه «نون‌خ» شامل کاراکترهای شیرین و بانمکی است که هر کدام ویژگی‌ای دارند که مورد توجه مخاطب قرار گرفته است. در کنار داستان و شخصیت‌پردازی خوبی که این سریال دارد، قاب‌های زیبا و چشم‌نوازی را هم برای مخاطب ترسیم کرده که به جذابیت سریال افزوده است. به‌خصوص در سری جدید که اهالی روستا را می‌یک سفر می‌شوند و از غرب ایران به جنوب کشور می‌روند و از این رو نماهای زیبایی را در معرض دید مخاطب قرار می‌دهند. حتی

در تیتراژ هم با ماکن و نقاط مهم گردشگری‌ای آشنا می‌شویم که شاید تاکنون ندیده بودیم.



کیورکد را اسکن کنید

رسانه

MEDIA

پنجشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ شماره ۶۷۵۰

مجازی از مردم می‌گیرم، می‌گویم، یا حتی نکاتی که درباره سریال «مختار» می‌گویم و درباره آن صحبت می‌کنیم، به دل مخاطب نشسته‌است.

خاکستری‌های بانمک

نکته‌دیگری که در مورد کاراکترهای این سریال از جمله وحید وجود دارد این است که سعی می‌کنند در عین این‌که جدی‌جسد کاراکتر و زیاده‌خواهی و طمعش را نشان دهند، شیرینی و نمک کاراکتر را هم در بازی حفظ کنند. بازیگر نقش وحید درباره چالش‌های این نوع بازی می‌گوید: واقعیت این است که مثل راه رفتن روی لبه تیغ است و کار را برای بازیگر سخت‌تر می‌کند. اگر دقت کرده باشید ما در داستان به جز خلیل، شخصیتی نداریم که منفی باشد و اغلب شخصیت‌ها خاکستری هستند. البته خلیل هم شیرینی و نمک خاصی دارد و به‌طور کامل نمی‌توان گفت شخصیت منفی و سیاه است. اصلاً در این سریال شخصیت منفی و سیاه وجود ندارد و همین موضوع، کار را سخت‌تر می‌کند. ما در چنین موقعیتی خیلی از آقای آقاخانی و همچنین از نویسنده کار کمک می‌گیریم تا این اتفاق در بازی بیفتد. حتی نویسنده از ما می‌خواست که در این باره ایده بدهیم، می‌توانم بگویم یک تعامل و همکاری و همدلی بسیار خوبی بین اعضای گروه بود. من در کار می‌گفتم اتفاقی که از شخصیت‌های سخت کار، نورالدین است. چون آدم مثبتی است و دلسوزانه با همه رفتار می‌کند اما در عین حال باید طنز کار را هم حفظ کند و در مثبت بودن، غلو نکند و همین موضوع، کار را برای بازیگر سخت‌تر می‌کند. این بازیگر در مورد چالش‌های دیگری که در طول تصویربرداری با آن مواجه شدند، شرح می‌دهد: برای آقاخانی اتفاقی افتاد که مشکلی برای کمرش ایجاد شد و آسیب دید و یک جا‌هایی با عصا بازی می‌کرد، اما ماب‌بندی به گونه‌ای بود که عصا دیده نمی‌شد. بعضی از بچه‌ها هم به خاطر سکانسی که هنوز پخش نشده، دچار سوختگی شدند. برای من هم این اتفاق افتاد. خانم نادقاسمی هم دستش شکست و آقای اخوان دچار شکستگی شدید پا شدند. یعنی اتفاقات عجیب پشت سر هم می‌افتاد، ولی کار به تعویق نیفتاد و فیلمبرداری تعطیل نشد، چون کار سنگینی بود و اگر تعطیل می‌شد، به‌پخش نمی‌رسیدیم. خوشحالم که نتیجه خوبی داشت و مردم، سریال را دوست دارند. از او می‌پرسم با تمام مشکلاتی که در طول فیلمبرداری داشتید اگر تولید سریال به فصل بعدی هم برسد، باز هم دوست دارید وحید را بازی کنید و این‌که هنوز جای کار برای بازی در قالب این شخصیت می‌بینید؟ وی پاسخ می‌دهد: برای من باعث افتخار است که همچنان در خدمت این گروه باشم. وحید را هم خیلی دوست دارم. البته شخصیت‌های دیگر سریال را هم دوست دارم و فکر می‌کنم هر کدام از آنها جای کار بسیاری دارند و می‌توانند همچنان برای مخاطب جذاب باشند.

